

همیشه‌ی جامعه



مراسم رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب به کتاب «پاییز آمد» امروز در محصلی تهران برگزار می‌شود.

پاییزی که بدون احمد آمد

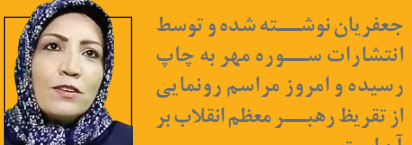
گلستان جعفریان، نویسنده ایرانی درباره آخرین کتابش به نام «پاییز آمد» و تقریظ رهبری بر این اثر گفت

گفت‌وگو	گروه جامعه
شهدا را همیشه کلیشه‌ای معرفی کرده‌اند و هر وقت حرف از خاطرات زندگی آنها می‌شود توقع می‌رود یک موجود خیالی، دست‌نیافتنی و از آسمان آمده معرفی	

شود که انگار هیچ‌وقت زندگی عادی و روزمره نداشته است، برای همین خیلی‌ها از شهید یک شخص معصوم عاری از هر گناه و اشتباه است؛ در حالی‌که چنین نیست و شهدا هم مثل سایر آدم‌های شهر زندگی عادی داشته و در روزمرگی کاملا معمولی به سر می‌بردند. شاید خیلی‌ها بپشان حتی اهل نماز شب یا مستحبات نبودند و در همین کوجه وپسازار زندگی می‌کردند،

آرزوهایی داشته واشخاصی بر بیده از دنیا ومادیات نبوده‌اند. در کتاب «پاییز آمد» به زندگی خصوصی فخرالسادات موسوی و شهید احمد یوسفی، فر مانده واحد مهندسی رزمی سیاه ناحیه زنجان، آشنا بی و عشق آنها پرداخته می‌شود؛ اتفاقی که در کتاب‌های مشابه کمتر رخ می‌دهد.

درباره این کتاب که در ۲۴۰صفحه و به قلم گلستان



جعفریان نوشته شده و توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده و امروز مراسم رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر باید یک کتاب ۴۰۰ یا ۵۰۰صفحه‌ای بنویسید. آن است.

با نویسنده و سپس فخرالسادات موسوی، همسر شهید گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چون رویکرد این کتاب، از زاویه دید همسر شهید روایت می‌شود. در کتاب تا همین حد و حدود به احمد می‌پردازیم.

درباره تقریظ رهبری هم باید بگویم که به گمانم نوع زندگی آن دو نفر که برای خود هم خیلی جالب بود، برای مخاطبان خاص هم جذاب بوده که رهبر انقلاب هم یکی از همان مخاطبان خاص محسوب می‌شوند.

خانم موسوی را به‌عنوان همسر شهید چگونه انسانی در یافتید؟

او همسر شهید است و نگاه متفاوتی به تبلیغات در جنگ دارد. این نگاه متفاوت جای کار فراوان و پرداختن به موضوعات مختلف را می‌طلیبد. این تفاوت روی زندگی شخصی‌اش هم تأثیر می‌گذارد. حتی روش او در همسر داری و بقیه همفکران و هم‌مسکلتانش بسیار متفاوت است.

مثل چه مواردی؟ می‌توانید مثال بزنید؟

زندگی این دو جوان، هم رگه‌هایی از زندگی مدرن داشت و هم سنتی. فخرالسادات موسوی در خانواده‌ای نظامی بزرگ شده. اختیارات زیادی داشته. انتخاب‌گر بوده و حتی می‌توانسته حجاب داشته باشد یا نه اما زندگی ارزشی را انتخاب می‌کند. در عین حال که ارزش‌مدارند، زندگی مدرنی هم دارند. آنها در یک کلام زوجی بودند که به دیدگاه‌های هم احترام می‌گذاشتند. حتی به همسرش می‌گفت که کار کند و می‌گوید سیاه روی تو سرمایه‌گذاری کرده و آنچه داری و فقط مشغول بزرگ‌کردن آنها هستی؟!

ذیل کتاب نوشته شده «خاطرات فخرالسادات موسوی، همسر شهید فرمانده احمد یوسفی». اما این کتاب به

نوعی تعادلی بود بین مستند و تخیل. نوشتن کتاب خاطره فقط به گفت‌وگوهای هم‌زمان، دوستان، آشنایان و اهل خانواده بازمی‌گردد و صرفا جنبه واقعی دارد؛ یعنی جایی است که تخیل داستانی در آن راهی ندارد. اما شما داستان نوشتید. این حرف

چقدر می‌تواند در دست باشد؟ به‌نظرم با خواندن «پاییز آمد» با زندگی داستانی روبه‌رووییم. خودتان چه فکر می‌کنید؟ من نام این کار را «مستند داستانی» قلمداد می‌کنم. همسر شهید به فرض می‌گوید، نخستین بار که احمد را دیدم فکر کردم زن و بچه دارد و نزدیک غروب تصویرش را در پنجره دیدم. اما من به این روایت یک خطی پروبال دادم و چند صفحه برای همین تصویر، داستان نوشتم و فضاسازی کردم. پایه اصلی کار همان وقایع مستند است.

شما معمولا با نوشتن زندگی‌نامه فرماندهان، شخصیت‌هایی را به‌طور تخیلی و هنری شده، ساخته‌اید؟ این باز به مستند بازمی‌گردد. مثلاً برای نوشتن این کتاب بیش از ۴۰ساعت مصاحبه کردم. بدیهی است که این ساعت مصاحبه لازم نیست و اگر مصاحبه‌ای در زمینه‌های مختلف دارید، باید یک کتاب ۴۰۰ یا ۵۰۰صفحه‌ای بنویسید. من معمولا همه جزئیاتم را از راوی می‌گیرم. پس از این مرحله دستم باز است که چه چیزی را استفاده کنم یا نکنم. شخصیت‌پردازی‌های داستان من، جملگی بر گرفته از سخن راویان است. اصل کار این است که من نگاه و منظر راوی یا راویان را در داستان مطرح کنم. افراد معمولا به این روایات رجوع نمی‌کنند، چون برای نقل آنها باید درخواست کنید که جزئی صحبت کنند و در ذهن و زبان آنها راه یابید و نفوذ کنید؛ طوری که شما را از خودشان بدانند و محرم اسرارشان. من همه مصالح داستانم را از واقعات‌های موجود گرفتم. مثلا مادر فخرالسادات، زنی اشرافی بود و با لباس خواب به رختخواب می‌رفت. فخرالسادات ابتدا با ذکر اینگونه جزئیات در کتاب ناراضی بود اما پس از مدتی قبول کرد که چنین کاری، هم جذاب است و هم مخاطب‌پسند. در حال حاضر راوی می‌گوید، کار شما صددرصد، درست بوده. سعی کردم از بیان کلیشه‌ای روایت‌ها پرهیز کنم.



یحیی سنوار، مبارزی که زمان‌نویس حرفه‌ای بود

در آن سوی چهره نظامی و سیاسی شهید یحیی ابراهیم حسن‌ السنوار، چهره هنرمند او رخ‌نمایی می‌کند که اهل اندیشه، فرهنگ و ادب است و صاحب چندین جلد کتاب تالیفی و ترجمه‌ای که این آثار ادبی‌ی را در زمان نسبتا طولانی زندانی‌بودن در زندان‌های رژیم صهیونیستی تالیف کرده است. سنوار از همان دوران نوجوانی وارد مبارزات مردمی شده بود و تا سال ۲۰۱۱در زندان‌های اسرائیل به‌سر می‌برد اما در این مدت بی‌کار نشست و زبان عبری را یاد گرفت و یک اثر ادبی نوشت.



خبرهای خوب

لیلا شریف

روزنامه‌نگار

حرم‌بانی نوجوانان از ابوموسی

در میان ترافیک خبیری رسانه‌ها بعضی از خبرها هستند که کمتر دیده و شنیده می‌شوند اما هر کدام از آنها نمایانگر اخلاق و انسانیت ایرانی‌هاست؛ مانند تجمع اعتراضی دانش‌آموزان ابوموسی، فعالیت گروه‌های جهادی برای درمان بیماران مناطق کم‌برخوردار و زنی که یک جوان را از مرگ نجات داد.

سربازان دهه هشتادی و نودی ابوموسی

نشست مشترک کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس با اتحادیه اروپا و صدور بیانیه مضحک آنها در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) باعث شد تا یک‌بار دیگر ایرانی‌ها در کنار هم نسبت به این ادعای واهی واکنش نشان دهند. اما نکته جالب در این واکنش‌ها، زنجیره انسانی دهه هشتادی‌ها و نودهای ساکن این جزیره بود. ۳۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر مدرسه‌های جزیره ابوموسی از قافله عقب‌نمانند و قبل از شروع کلاس درس به خط ساحلی جزیره رفتند تا بار دیگر یادآوری کنند، این جزیره و ساکنانش با نام ایران گره خورده‌اند. البته دانش‌آموزان ابوموسی حواس‌شان بود که در کنار محکوم‌کردن بیانیه‌شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه اروپا، مردم غزه را فراموش نکنند و دقایقی از این تجمع به دادن شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل از سوی این دانش‌آموزان گذشت.

لبخند ز بیابر لبان محرومان



هزینه بالای خدمات دندانپزشکی باعث شده تا افرادی که حساب و کتاب هزینه‌های زندگی‌شان چندین باهم جور در نمی‌آید، سراغ درست‌کردن دندان‌های خراب خود نروند. گروه‌های جهادی به همین دلیل وارد میدان شدند و با سفر به مناطق کم‌برخوردار تلاش کردند به داد محرومان این مناطق برسند. گروه‌های جهادی مورد حمایت بنیاد برکت در قالب پویش طرح لبخند به‌صورت رایگان و مستمر دست به درمان دندان‌های خراب این افراد می‌زنند و انطور که امیر حسین مدنی، مدیرعامل بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام(ره) اعلام کرد، قرار است تا پایان سال ۱۰۰ هزار خدمت دندانپزشکی به ۷۰هزار نیازمند مناطق محروم ارائه شود.

خدمات دندانپزشکی که تاکنون ارائه شد	۵۵	۸۵	۱۵
هزارمورد	هزاربنازمند	میلیاردتومان	
در مناطق محروم	ارزش‌ریالی خدمات محروم	دندانپزشکی	

غربالگری سرطان
<ul style="list-style-type: none">فعالیت ۱۴ هزار مجموعه مردمی تخصصی پیش‌بینی درمان ۲ هزار نفر استفاده از امکانات رایگان مرکز جامع سرطان برکت

رفع مشکل شنوایی کودکان محروم
<ul style="list-style-type: none">۳۰۰ گروه جهادی و خیریه کاشت حلزون گوش، تامین قطعات پس از کاشت و پیشگیری از مشکل ژنتیک

دختری که فرشته نجات موتورسوار بزدی شد

تصادف یک موتورسوار بزدی و نجات جان او به وسیله یکی از عابرن بیساده، بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت و بسیاری از شجاعت فرشته نجات موتورسوار که یک دختر بزدی بود، تقدیر کردند. شد تصادف آنقدر زیاد بوده که موتورسوار پس از برخورد با خودرو روی آسفالت پرت می‌شود و موتورش آتش می‌گیرد، اما بخت با جوان بزدی یار بود که در میان عابران، یک دختر با شجاعت ستودنی و هوش هیجانی بالا خود را به بالای سر او رساند و فرشته نجاتش شد. پسر مدیریّت مصر بود. احمد، دی‌کامی، راوی رسان، و دوستانه نسبت به سربازان مصری دارد و معتقد است ارتش‌های عربی اسرائیل را در هم خواهند شکست و فلسطین را آزاد خواهند کرد تا پناهنده‌گان آن بتوانند به خانه‌های خود بازگردند. رسان «خار و میخک» که در ۲۰فصل تنظیم‌شده، از سوزی اسماء خواجه‌زاده به زبان فارسی هم ترجمه شده که به‌زودی از سوی انتشارات کتابستان منتشر خواهد شد.



ترجمه این کتاب در ایران

ماجراهای این‌رمان، درست قبل از شکست ۱۹۶۷ آغاز می‌شود؛ زمانی که نساوار غزه تخت مدیریّت مصر بود. احمد، راوی رسان، و دی‌کامی، دوستانه نسبت به سربازان مصری دارد و معتقد است ارتش‌های عربی اسرائیل را در هم خواهند شکست و فلسطین را آزاد خواهند کرد تا پناهنده‌گان آن بتوانند به خانه‌های خود بازگردند. رسان «خار و میخک» که در ۲۰فصل تنظیم‌شده، از سوزی اسماء خواجه‌زاده به زبان فارسی هم ترجمه شده که به‌زودی از سوی انتشارات کتابستان منتشر خواهد شد.